

تهذیب الاحکام

سید محمد جواد شبیری / دانشنامه اسلام

تهذیب الاحکام، از منابع مهم فقهی و یکی از کتابهای چهارگانه حدیث شیعه، اثر محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی، دانشمند امامی قرن پنجم.

به نوشته مؤلف در مقدمه کتاب (ج ۱، ص ۲-۳)، یکی از دوستان وی از وجود احادیث بظاهر متعارض در منابع شیعی با او سخن گفته و یادآور شده که این موضوع موجب انتقاد شدید مخالفان و جدا شدن برخی شیعیان ناآگاه از مذهب حق گردیده است، لذا از مؤلف درخواست کرده که شرحی استدلالی بر کتاب مقنعه شیخ مفید بنگارد که در آن علاوه بر ذکر مستندات قطعی هر مسئله و احادیث مشهور، احادیث متعارض هم آورده شود و شیوه رفع ناسازگاری این احادیث با یکدیگر و تأویل آنها یا وجوه ضعف احادیث متعارض بیان گردد. کتاب تهذیب در پاسخ به این درخواست تألیف شد و در واقع، خاستگاهی کلامی دارد (نیز رجوع کنید به عابدی، ص ۳۳-۳۵). این سخن که تهذیب به توصیه شیخ مفید نگاشته شد (خوانساری، ج ۶، ص ۲۳۰)، به نظر درست نمیآید. از تعبیر «ایده‌الله» درباره شیخ مفید، در مقدمه کتاب و بارها در جلد نخست و دوبار در آغاز جلد دوم، و تبدیل آن به «رَحِمَهُ‌الله» پس از آن، معلوم میشود که تألیف تهذیب در حیات شیخ مفید آغاز شده و پس از وفات وی (رمضان ۴۱۳) ادامه و پایان یافته است (رجوع کنید به شبیری، ۱۴۲۰، ص ۱۸۶).

تهذیب الاحکام نخستین تألیف شیخ طوسی بوده و در آن به هیچیک از آثار مؤلف اشاره نشده، ولی او در دیگر آثار خود بارها به این اثر ارجاع داده است (برای نمونه رجوع کنید به طوسی، النهایه، ص ۲۳۵، ۲۴۳؛ همو، الجمل و العقود، ص ۱۶۰؛ همو، کتاب الخلاف، ج ۴، ص ۱۵، ۱۱۰؛ همو، المبسوط، ج ۱،

ص ۳۵۶، ج ۷، ص ۱۲۳؛ همو، التبیان، ج ۳، ص ۱۲۱؛ نیز بیش از صدبار در مقدمه و متن استبصار با تعبیری چون تهذیب الاحکام، کتابنا الکبیر و الکتاب الکبیر رجوع کنید به ج ۱، ص ۲، ۱۰، ۱۴، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۵۵، ۱۷۵). به نوشته مؤلف در استبصار (ج ۱، ص ۲-۳)، تألیف این کتاب پس از پایان تألیف تهذیب و انتشار آن آغاز شده است. همچنین در اوایل کتاب العُدّه فی اصول الفقّه او - که در آغاز تألیف آن، الذریعه شریف مرتضی (نگاشته شده در ۴۳۰) تألیف نشده بود (رجوع کنید به علمالهدی، قسمت ۱، مقدمه گرجی، ص سیوپنچ، سیوهفت؛ آقا بزرگ طهرانی، ج ۱۰، ص ۲۶) - به تهذیب و استبصار اشاره شده (ج ۱، ص ۱۳۷) و نشان میدهد که تألیف این دو اثر پایان یافته بوده است. لذا، به نظر نمیرسد که تألیف تهذیب چندان به طول انجامیده باشد (قس مدیر شانهچی، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۴۰).

شیخطوسی در ضمن شرح حال خود در فهرست (ص)، نام ۲۳ باب اصلی (اصطلاحاً کتاب) از ابواب فقه را برای تهذیب برشمرده و گفته که استبصار و نهاییه نیز همین مباحث را دارند، ولی ابواب «شهادات» و «اطعمه و اشربه» تنها در این دو اثر به استقلال مطرح شده است نه در کتاب تهذیب، باب زیارات هم تنها در تهذیب ذکر شده نه در نهاییه و استبصار. بنابراین، تهذیب شامل ۲۱ کتاب فقهی است و نامهای مذکور در فهرست، تلفیقی از نامهای ابواب تهذیب و ابواب نهاییه و استبصار است.

بر طبق شمارهگذاری نسخه چاپ نجف تهذیب، این کتاب مشتمل بر ۴۰۹ باب (۲۸ باب آن ابواب «زیادات» در سه جلد نخست میباشد که تکرار ابواب قبلی است) و ۹۸۸، ۱۳ حدیث است، ولی بنا بر شمارش محدّث نوری (۱۴۱۵-۱۴۲۰، ج ۶، ص ۴۱۵)، ۳۹۳ باب و ۵۹۰، ۱۳ حدیث دارد. این اختلاف از عواملی چون اشتباه در شمارش یا مستقل دانستن یا ندانستن برخی ابواب و احادیث ناشی شده است.

تهذیب و مقنعه. تهذیب به عنوان شرح مقنعه شیخ مفید نوشته شده و طرح نخستین آن بر پایه شرح کامل تمام مسائل مقنعه با استدلال به ادله قطعی (مانند قرآن، سنت متواتر، سنت همراه با قرائن قطعی، اجماع) و نیز ذکر احادیث مشهور امامیان و تأویل یا تضعیف احادیث متعارض، بوده است (ج ۱، ص ۳). در این شیوه تألیف - که بیشتر مبحث طهارت بر طبق آن نگاشته شده - مؤلف گاه به ادله‌ای چون اجماع مرگب (به اصطلاح متأخران)، اقوال مشایخ و وجوهی شبه عقلی استناد کرده (برای نمونه رجوع کنید به ج ۱، ص ۲۵، ۲۹، ۷۵، ۹۵، ۲۹۰، ۲۹۴) و به احادیث اهل سنت به طور مرسل اشاره نموده است (برای نمونه رجوع کنید به ج ۱، ص ۶۳، ۸۳ - ۸۴، ۹۶). در این بخش کتاب، مباحث گوناگون قرآنی، ادبی (صرف و نحو و لغت) و دیدگاههای اصولی بسیار نمایان است

(رجوع کنید به شبیری، ۱۴۲۰، ص ۱۷۹-۱۸۷). با این روش، کتاب پر حجم میشده و از هدف اصلی، یعنی نگارش اثری حدیثی، دور میافتاده؛ لذا، مؤلف روش خود را تغییر داده و به ذکر احادیث شیعی و رفع تعارض آنها بسنده کرده است. وی سپس تصمیم گرفته که بدون تقید داشتن به مباحث مقنعه، بیشتر یا تمام احادیث فقهی را ذکر کند، لذا در سه جلد نخست ابواب زیارات را افزوده است (ج ۱۰، مشیخه، ص ۴). بنابراین، کتاب با دو روش مختلف تألیف شده است که علاوه بر تفاوت در حجم، در شیوه اسناد احادیث هم با یکدیگر متفاوتاند (رجوع کنید به شبیری، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۸۱-۱۸۴).

نحوه التزام مؤلف به ذکر مسائل مقنعه نیز در همه بخشهای تهذیب یکسان نیست. وی ابتدا به آوردن تمام فتاوی شیخ مفید و شرح آن مقید بوده و این روش در دو جلد نخست و بخشی از جلد سوم (جز صفحه ۲۶ تا ۱۵۸) به کار رفته، ولی در سایر مجلدات و نیز ابواب زیارات، چنین تقیدی نداشته و گاه فقط از ترتیب مقنعه پیروی کرده است؛ از اینرو، برخی استدلالهای فقهی مقنعه در

تهذیب نقل نشده یا به اختصار و اجمال ذکر شده (مثلاً ج ۳، ص ۹۰-۹۱، ۱۱۳؛ قس مفید، ۱۴۱۰، ص ۲۵۲، ۲۶۹)، برخی احادیث بدون سند مقنعه، با سند نقل گردیده (مثلاً ج ۲، ص ۱۲۱؛ قس مفید، ۱۴۱۰، ص ۱۴۲) و گاه به جای ابواب مقنعه ابواب دیگری گشوده شده است. بدین ترتیب، کتاب شرحی آزاد بر مقنعه به شمار میرود. حتی برخی مباحث، از جمله «کتاب الجهاد و سیره الامام» (رجوع کنید به ج ۶، ص ۱۲۱ تا پایان جلد) شرح مقنعه نیست (رجوع کنید به شبیری، ۱۳۷۲ ش، همانجا).

عبارات مقنعه در سه جلد نخست بسیار نقل شده است، ولی به تدریج کاهش یافته و از آغاز جلد ششم پایان پذیرفته است، تنها در باب (کتاب) نکاح (ج ۷، ص ۲۴۰-۴۲۹) و طلاق (ج ۸، ص ۲-۱۹۸، ۲۷۷) و ابتدای مبحث صید و ذبائح (ج ۹، ص ۲-۷۱) نقلهای بسیاری از مقنعه دیده میشود که شیوه آن نیز به روش نقل احادیث در مجلدات نخستین شبیهتر است و بهنظر میرسد تهذیب الاحکام به ترتیب نگارش نیافته و بخشهایی که در آن عبارات مقنعه نقل شده، بیشتر تألیف شده و قسمت پایانی جلد ششم، آخرین بخش تألیف شده کتاب بوده است.

مطالب تکراری مقنعه تنها در یک جا شرح شده، ولی گاهی در جای دوم نکاتی به آن افزوده گردیده است (از جمله رجوع کنید به ج ۱، ص ۲۱۳، ۳۰۹، ج ۲، ص ۹۵، ۱۹۱). شیخ طوسی گاه برای استدلال بر فتوای مقنعه، به نظر اهل خبره استناد کرده (رجوع کنید به ج ۲، ص ۲۷)، گاه عبارت متن مقنعه را تفسیر و تأویل نموده (برای نمونه رجوع کنید به ج ۱، ص ۳۲، ج ۳، ص ۱۶۴، ۱۶۶) و احیاناً فتوایی غیر از فتوای شیخ مفید برگزیده است (برای نمونه رجوع کنید به ج ۱، ص ۲۳۲، ج ۲، ص ۸۷). در بسیاری موارد، وی خود عبارتی فتوایی ذکر کرده و آن را شرح داده که در برخی منابع، به اشتباه، بخشی از حدیث یا سخن شیخ مفید انگاشته شده و برعکس، در برخی موارد، متن حدیث به عنوان عبارت

تهذیب تلقی شده است (برای برخی موارد اشتباه رجوع کنید به ج ۵، ص ۳۲۹، حدیث ۴۵؛ تستری، ۱۳۹۰، ص ۸۵؛ همو، ۱۳۹۶، ص ۲۳۶-۲۳۷).

اهمیت و جایگاه تهذیب. کتاب تهذیب الاحکام با در برداشتن بیشترین احادیث فقهی، در مقایسه با سایر کتب چهارگانه، از مهمترین منابع استنباط فقهی امامیان به شمار میرود. به نوشته بحرالعلوم (ج ۳، ص ۲۲۹) این کتاب غالباً فقیه را از دیگر کتب حدیثی بی نیاز میسازد ولی کتب مزبور این ویژگی را ندارند (نیز رجوع کنید به نوری، ۱۴۱۵-۱۴۲۰، ج ۳، ص ۱۶۹، ج ۶، ص ۱۳؛ قس عبدالله جزایری، ص ۲۱۵). ابن طاووس (فتح الابواب، ص ۲۹۲) کافی و تهذیب را از بزرگترین کتب فقهی شمرده و علامه حلی (۱۴۱۷-۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۵۵) این کتاب را «اصل فقه» خوانده و آن را همراه با مقنعه از بزرگترین منابعی که از آنها بهره فقهی برده میشود، دانسته است.

در منابع فقهی، دیدگاههای شیخ طوسی در تهذیب، فتوای او تلقی و فراوان نقل و بررسی شده است (برای نمونه رجوع کنید به ابن ادریس حلی، ج ۱، ص ۳۳۴-۳۳۵؛ نیلی، ص ۹، ۱۱؛ محقق حلی، ج ۱، ص ۳۴، ۴۳، ۵۵؛ آبی، ج ۱، ص ۴۸، ۶۰، ۱۰۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۹، ۵۶؛ همو، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴، ص؛ شهید اول، ۱۴۱۲-۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۰۱). برخی فتاوای وی در تهذیب از آرای اختصاصی او بوده یا قائلانی اندک داشته است (رجوع کنید به علامه حلی، ۱۴۱۷-۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۳۹، ج ۲، ص ۳۸، ج ۳، ص ۳۱۰؛ فخر المحققین، ج ۱،

ص ۷۳). گاه فتوای وی در این کتاب و کتاب استبصار با فتوایش در سایر آثار فقهی او متفاوت است (رجوع کنید به علامه حلی، ۱۴۱۷-۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۰۸-۴۰۹).

تهذیب علاوه بر جنبه فقهی، از نظر حدیثی نیز اهمیتی بسزا دارد. جز فهارس کتب که به ذکر یا

توصیف آن پرداخته‌اند (برای نمونه رجوع کنید به طوسی، فهرست، ص ۴۴۷؛ نجاشی، ص ۴۰۳؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۱۴)، در آثار حدیثی بعدی همواره بدان استناد و از آن نقل شده است (از جمله رجوع کنید به ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۵۰، ۱۰۸؛ طبرسی، ج ۱، ص ۱۳۲، ۱۳۷). نقل از این کتاب در آثار ابن طاووس بسیار است (رجوع کنید به کولبرگ، ص). ابن ادريس (ج، ص ۶۲۸-۶۳۲) شماری از احادیث جالب توجه آن را برگزیده و در پایان السرائر آورده است. صاحب معالم، حسن بن زینالدین، روایات «صحيح» و «حسن» تهذيب را در منتقى الجُمان آورده است. به نظر او در اسناد روایات تهذيب، به دلیل بی توجهی به کاربرد روش تعلیق (حذف اول سند رجوع کنید به اسناد) به اعتماد اسناد سابق، افتادگیهای بسیار رخ داده است، از جمله در مورد احادیث موسی بن قاسم در مبحث حج (برای نمونه رجوع کنید به ابن شهید ثانی، ج ۱، ص ۲۵، ج ۳، ص ۱۳-۱۴، ۳۲-۳۳، ۳۷، ۴۰-۴۱). در جوامع حدیثی متأخر، مانند وسائل الشیعه، وافى و بحار الانوار، نیز احادیث تهذيب بسیار نقل شده است.

با این همه، با توجه به وجود پارهای اشکالات در اسناد و متون احادیث منقول در تهذيب، برخی علما اعتراضاتی بدان داشته‌اند (از جمله رجوع کنید به ابن ادريس حلی، ج ۳، ص ۲۸۹؛ ابن شهید ثانی، ج ۱، ص ۲، ص ۵، ۵۲، ۵۰۵-۵۰۶؛ یوسف بحرانی، ص ۲۹۸؛ خوانساری، ج ۶، ص ۲۱۸؛ محمد کلباسی، ج ۲، ص ۳۲۴-۳۳۵؛ نوری، ۱۴۰۷-۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۰۳-۶۰۴؛ تستری، ۱۴۱۰-۱۴۲۴، ج ۹، ص ۲۰۸). محمد تقی مجلسی (ج ۱، ص ۲۸۵، ج ۴، ص ۳۹۳، ۵۵۷)، این کتاب را از حیث رتبه و اعتبار، پس از کافی و کتاب من لایحضره الفقیه دانسته است.

برخی دانشمندان اخباری به استناد سخن شیخ طوسی در العُدّه فی اصول الفقه (ج، ص ۱۳۷)، به

صحت احادیث تهذیب (مانند دیگر کتب چهارگانه حدیث) حکم کرده‌اند (برای نمونه رجوع کنید به

فیض کاشانی، ج ۱، ص ۲۳-۲۴)، ولی با توجه به اینکه شیخ طوسی

درباره بسیاری از احادیث متعارض، به ضعف آنها تصریح کرده، نادرستی این نظر آشکار می‌شود (نیز

رجوع کنید به خوئی، ج ۱، ص ۹۵-۹۷). برخی عالمان تهذیب را تدریس می‌کرده‌اند (برای نمونه رجوع

کنید به ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۵۰۹؛ محمد باقر مجلسی، ۱۳۸۰، ج ۱۰۷، ص ۲۲۳، ج ۱۰۸، ص

۹۹، ج ۱۱۰، ص ۱۴۷، ۱۵۲؛ حسینی اشکوری، ۱۴۱۰، ص ۲۹).

شیوه نقل و حل تعارض احادیث. احادیث تهذیب (در هر دو شیوه تألیف کتاب) بر سه دسته‌اند:

احادیث ادله، که مستند نظر شیخ مفید یا خود مؤلفان؛ احادیث متعارض؛ و احادیث شواهد، که برای

سازگار کردن احادیث متعارض با یکدیگر یا سایر تأویلهای حدیثی آورده شده‌اند. اسناد احادیث ادله

و شواهد در روش نخست تنظیم کتاب معمولاً به طور کامل و بدون تعلیق سند (حذف ابتدای سند)

آمده است ولی اسناد در روش دوم و نیز اسناد احادیث متعارض همیشه به صورت تعلیق است (برای

تفصیل رجوع کنید به شبیری، ۱۴۲۰، ص ۱۸۹-۱۹۰؛ نیز رجوع کنید به ادامه مقاله).

بخش عمده‌ای از تهذیب را بررسی احادیث بظاهر متعارض تشکیل می‌دهد و تقریباً در تمام کتاب

(جز بخش بزرگی از مجلد ششم)، بویژه در جلد سوم، این شیوه نقل روایات دیده می‌شود. بهجز

توضیحاتی که مؤلف برای حل تعارض احادیث داده، مطالبی را در توضیح و تفسیر و تأویل احادیث

دیگر تهذیب نیز آورده و نام خود را ۳۲۷ بار، غالباً پس از احادیث ادله و شواهد و گاه پس از احادیث

متعارض، ذکر کرده است (برای نمونه رجوع کنید به ج ۱، ص ۹۱، ۱۳۱، ۲۵۳، ۳۸۸). تفسیرهای او بر

مبادی کلامی استوار است، از جمله تناقض نداشتن سخن امامان علیهم‌السلام به دلیل عصمت آنان و

عدم مخالفت حدیث با قرآن (برای نمونه رجوع کنید به ج ۱، ص ۲۸۰-۲۸۱، ج ۲، ص ۲۴۹). اصل مهم دیگر در تفسیر احادیث، قاعده اصولی مقدّم بودن جمع عرفی میان احادیثِ بظاهر متعارض بر نادیده گرفتن (اصطلاحاً: طرح) برخی از آنهاست (رجوع کنید به ج ۳، ص ۲۰۱-۲۰۲، ج ۶، ص ۲۳۷-۲۳۸؛ همو، العده فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۴۸). همچنین وی برای فتوای علمای امامیه و نحوه برخورد آنان با یک حدیث، اهمیت خاصی قائل است (رجوع کنید به ج ۱، ص ۳، ج ۲، ص ۶۳، ج ۹، ص ۲۸۷).

شیخ طوسی کوشیده تا از راه جمع عرفی، نه ایراد گرفتن از اسناد احادیث، مشکل تعارض را برطرف سازد. وی سعی کرده برای تأویل احادیث شواهدی بیاورد، هر چند این کار را لازم نمیدانسته است (ج، ص ۴). اصولاً علما، قواعد جمع عرفی را که او پایه‌گذاری کرده، پذیرفته‌اند، اما مصادیق این قواعد را گاه قبول کرده (مثلاً رجوع کنید به ابن ادریس حلی، ج ۱، ص ۳۳۴؛ ابن شهید ثانی، ج ۱، ص ۵۰، ۶۲؛ حرّ عاملی، ج ۱، ص ۱۳۸؛ محمدباقر مجلسی، ۱۳۸۰، ج ۸۸، ص ۱۴۷) و گاه انکار نموده‌اند (مثلاً رجوع کنید به محقق حلی، ج ۱، ص ۱۷۳؛ ابن شهید ثانی، ج ۱، ص ۵۵، ۶۳؛ فیض کاشانی، ج ۱، ص ۵؛ حرّ عاملی، ج ۵، ص ۳۹۶، ج ۱۴، ص ۳۹؛ محمدباقر مجلسی، ۱۳۸۰، ج ۶۵، ص ۲۰۶-۲۰۷، ج ۸۸، ص ۱۰۰؛ یوسف بحرانی، ص). با این همه، شیخ طوسی در بسیاری موارد، احادیث معارض را ضعیف و بی اعتبار دانسته و تعارض را از این راه بر طرف کرده است.

از مهمترین قواعد جمع عرفی در تهذیب، حمل احادیث بر تقیه است با دلایلی مانند عامی بودن راوی حدیث، موافقت آن با فتوای عامه یا حاکمان وقت، مخالفت آن با ظاهر قرآن یا احادیث متواتر یا اجماع امامیان (برای نمونه رجوع کنید به ج ۱، ص ۳۱-۳۲، ۶۲، ۹۳، ۴۴۶، ج ۲، ص ۶۳، ج ۹، ص ۲۸).

به نظر او (ج ۲، ص ۷۵)، تقیه‌گاه موجب اجمال‌گویی امامان علیهم‌السلام می‌شده است. حمل حدیث بر حالت عذر و ضرورت، قاعده پرتکرار دیگری در تهذیب است (برای نمونه رجوع کنید به ج ۱، ص ۲۰۲، ج ۲، ص ۴۶، ۲۰۸، ۳۰۱، ج ۵، ص ۳۲۷) که حمل بر حالت تقیه از مصادیق آن است (ج ۱، ص ۶۶، ج ۲، ص ۶۱-۶۲، ۳۰۳، ج ۳، ص ۱۵). قاعده دیگر، حمل امر بر استحباب (ج ۱، ص ۴۹، ۱۰۴-۱۰۵، ۱۱۲، ۱۵۵) و حمل نهی بر کراهت (ج ۱، ص ۳۶۶، ۳۷۲، ج ۳، ص ۲۴۹) است، هرچند مؤلف اصولاً اوامر را ظاهر در وجوب و نواهی را ظاهر در حرمت می‌داند (ج ۱، ص ۹۶، ج ۳، ص ۱۶۶؛ همو، العده فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۷۲، ۲۵۵). وی حتی گاه کلمه وجوب را بر شدت استحباب یک کار حمل کرده است (ج ۲، ص ۲۴۳).

حمل روایت بر رخصت (بدین معنا که ملاک حرمت در کاری وجود دارد ولی به سبب وجود مصلحتی در نفس تجویز یک کار، همچون مصلحت تسهیل، آن کار مجاز شناخته می‌شود) و حمل حدیث بر معنای لغوی به جای معنای اصطلاحی (مانند تفسیر واژه

«وضوء» به شستن و به کار بردن واژه «زکات» درباره خمس) از دیگر قواعد جمع عرفی در تهذیب است (برای نمونه رجوع کنید به ج ۱، ص ۱۳-۱۴، ج ۲، ص ۱۶۵، ۲۸۹، ج ۴، ص ۱۵). از دیگر قواعد رایج در این زمینه است: تخصیص دلیل عام به قرینه دلیل خاص و حمل دلیل مطلق بر دلیل مقید یا به تعبیر شیخ طوسی «حمل مجمل بر مفصل یا بناء مجمل بر مفصل» (ج ۱، ص ۴۳۰، ج ۴، ص ۳۹، ج ۸، ص ۴، ۴۶؛ به نظر او گاهی عدم ذکر قید همین در یک حدیث، به سبب آگاه بودن مخاطب از آن قید یا به دلایلی دیگر بوده است رجوع کنید به ج ۴، ص ۲۳، ج ۵، ص ۲۴۶، ج ۱۰، ص ۷-۶)؛ حمل اختلاف روایات بر اختلاف درجات استحباب و امر به اعاده یک عبارت در صورت انجام دادن یک کار، بر

کراهت شدید آن (ج ۲، ص ۳۷۸، ج ۶، ص ۷۲)؛ اثبات عنوان یک عبادت به سبب وجود ثواب و نفی عنوان عبادت به سبب اندک شدن ثواب آن (ج ۱، ص ۹۲، ۱۰۵، ج ۹، ص ۱۱۰).

حمل اخبار در حدیث بر تعجب و انکار (ج ۱، ص ۲۱، ج ۵، ص ۳۱۵، ج ۹، ص ۲۱)، اختصاص دادن حکم روایت به مورد خاص آن (ج ۹، ص ۲۳۵، ج ۱۰، ص ۱۴۳) و حمل احادیث متعارض بر تخییر و به تعبیر دیگر، حمل امر به دو کار بر وجوب تخییری (ج ۵، ص ۳۳۴، ج ۱۰، ص ۲۴) از قواعد کم کاربرد در تهذیب است (نیز رجوع کنید به عمیدی، تراثنا، سال ۱۴، ش ۳ و ۴، ص ۱۰۵-۱۵۵). برخی مبانی شیخ طوسی در اصول فقه نیز از این مباحث فهمیده میشود، مانند عدم جواز تخصیص قرآن و اخبار متواتر با خبر واحد (ج ۴، ص ۱۶۹، ۱۷۲)، حجیت خبر واحد (ج ۱، ص ۱۰۹؛ هر چند برخی عبارات آن به حجیت نداشتن خبر واحد اشعار دارد رجوع کنید به ج ۱، ص ۳، ج ۴، ص ۱۶۹، ۱۷۲؛ قس همو، العده فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۴۲)، دلالت امر بر لزوم انجام دادن فوری آن (ج ۱، ص ۸۷، ج ۵، ص ۱۷) و دلالت نهی بر بطلان عبادت (ج ۲، ص ۲۰۲).

از جمله مباحث رایج در تهذیب، بحث درباره شیوه قرائت الفاظ یک حدیث و اختلاف نظر علما در این زمینه است (برای نمونه رجوع کنید به ج ۱، ص ۴۵۹-۴۶۰؛ قس ابن بابویه، ج ۱، ص ۱۸۹-۱۹۰). شیخ طوسی گاه فقط برخی از احادیث متعارض را ذکر کرده و به بقیه آنها اشاره نموده است، زیرا راه حل مطرح شده بر روایات نقل نشده هم تطبیق میکند (عمیدی، تراثنا، سال ۱۴، ش ۳ و ۴، ص ۱۰۷).

همچنین گاه برای حل تعارض، احتمالات

گوناگونی ذکر کرده و خود هیچیک از آنها را ترجیح نداده است (برای نمونه رجوع کنید به ج ۳، ص ۲۱۱-۲۱۲، ج ۷، ص ۲۵۵، ۲۹۸).

شیخ طوسی، چنانکه گفته شد، در بسیاری موارد، تعارض احادیث را با غیر معتبر دانستن یک طرف تعارض از میان برداشته است. مهمترین عوامل ضعف و بی اعتباری احادیث از دیدگاه او عبارتند از: مخالفت حدیث با ظاهر قرآن و احادیث متواتر (ج ۴، ص ۱۷۶-۱۷۷)، اجماع امامیه بر عمل نکردن به حدیث (ج ۱، ص ۱۵۷، ۲۱۹)، تعارض خبر یک یا چند نفر با اخبار افراد بیشتر (ج، ص، ج ۲، ص)، مخالفت حدیث با دیدگاه قطعی شرع و امامان علیهمالسلام (ج ۱، ص ۹۳-۹۴، ج ۴، ص ۱۷۶)، اضطراب حدیث یعنی راوی یک حدیث آن را به دو یا چند شکل نقل کند (ج ۱، ص ۲۰۱، ج ۲، ص ۲۱۳؛ قس ابن شهید ثانی، ج ۱، ص ۱۱) و مخالفت نقل یک راوی با نقل دیگران (ج ۲، ص ۷۵، ج ۷، ص ۲۷۸). این روایات در تهذیب ضعیف شناخته شده است: مُضْمَر (ج، ص ۱۶)، موقوف (ج، ص ۴، ۳۱)، مرسل (ج ۱، ص ۳۵)، روایاتی که راوی آنها دقیقاً معلوم نیست (ج، ص)، روایات شاذ (یا نادر، ج ۱، ص)، و روایاتی که راوی آنها ضعیف یا از غالیان یا عامه یا زیدیه باشد (ج ۴، ص ۳۱۶، ج ۷، ص ۱۰۱، ج ۹، ص ۲۰۴؛ نیز رجوع کنید به عمیدی، تراثنا، سال ۱۵، ش ۱، ص ۱۲۰، ش ۲، ص ۱۰۲-۱۲۳).

شیخ طوسی گاه با اشاره به اشتباه راوی یا فراموشکاری وی، نادرستی حدیث را توجیه کرده (برای نمونه رجوع کنید به ج ۱، ص ۱۳۴، ۳۳۱، ج ۵، ص ۲۲۶، ۲۳۰)، گاهی نیز درباره حدیث به بحثی مفصل پرداخته، مثلاً در باب نشانه آغاز ماه رمضان، با توجه به سست بودن علت مذکور در پاره‌های روایات، ساختگی بودن آن روایات را نتیجه گرفته است (رجوع کنید به ج ۴، ص ۱۵۴-۱۸۰). قرائنی نشان میدهد که این باب برگرفته از کتاب مصابیح النور شیخ مفید است که برخی نکات آن در کتاب جوابات اهل الموصل (ص ۱۵ به بعد) آمده است.

اسناد و مآخذ احادیث تهذیب. شیخ طوسی پس از تغییر شیوه تألیف خود، اسناد را در کتاب با نام

مؤلف مأخذ حدیث آغاز کرده و برای اتصال سند خود به این مؤلفان، تکمله‌ای با عنوان مشیخه در پایان کتاب افزوده و برای تفصیل بیشتر به کتاب دیگرش فهرست،

ارجاع داده است (رجوع کنید به ج ۱۰، مشیخه، ص ۸۸). در نگاه نخست به نظر می‌رسد که وی مستقیماً از کتاب یک راوی که در آغاز سند ذکر کرده، احادیث را گرفته است، ولی قرائن بسیاری نشان می‌دهد که او، چه‌بسا با واسطه، احادیثی را از مأخذ پیشین نقل کرده بدون آنکه به نام مصادر واسطه، به سبب شهرت آنها، اشاره نماید.

تأمل در مشیخه تهذیب نشان می‌دهد که این کتاب نیز بر پایه همین روش تنظیم شده است و در آن دوگونه طریق حدیثی وجود دارد: طرق اصلی و مستقل که مجموعاً ۲۸ راوی را در بر می‌گیرد، و طرق فرعی و وابسته که مجموعاً ۲۴ طریق بوده و برخی با تعبیر «ماذکرته» و برخی با تعبیر «من جمله ماذکرته» آغاز می‌شود. محمد بن یعقوب کلینی، حسین بن سعید، محمد بن علی بن محبوب و سعد بن عبدالله اشعری برخی از مؤلفان این مأخذ واسطه‌اند. روش برگرفتن حدیث از منابع واسطه، موجب شده که برای برخی راویان چند بار طریق ذکر شود، مثلاً حسن بن محبوب یک طریق استقلالی (بر گرفته از کتاب خود او) و پنج طریق وابسته دارد (رجوع کنید به شبیری، ۱۴۲۰، ص ۱۹۱-۱۹۲).

ترتیب طرق اصلی مشیخه بر دو پایه استوار است: نخست نام مصادر اصلی کتاب - که در مباحث بسیاری از آنها استفاده شده - آمده و سپس برخی از مصادری که در یک یا چند مبحث محدود از آنها اقتباس شده، به ترتیب نقل در متن کتاب، آورده شده است؛ مثلاً نام موسی بن قاسم، که در جلد پنجم تهذیب از او بسیار نقل شده، در میانه مشیخه و نام فضل بن شاذان، که بیشتر در اواخر تهذیب از وی حدیث نقل شده، در انتهای مشیخه دیده می‌شود.

نیاز یا عدم نیاز به بررسی وثاقت افرادی که در طرق مشیخه قرار دارند، از مباحث مهم رجالی است (رجوع کنید به بحر العلوم، ج ۴، ص ۶۶-۸۰؛ عبدالنبی جزایری، ج ۴، ص ۴۷۹؛ محمد کلباسی، ج ۴، ص ۱۲۷-۴۱۲؛ ابوالهدی کلباسی، ج ۲، ص ۳۸۷-۴۲۰؛ نیز رجوع کنید به آقا بزرگ طهرانی، ج ۲۴، ص ۲۷۶، ۲۷۸). با توجه به ضرورت این کار از دیدگاه بیشتر رجالیان، بسیاری از آنها به ارزیابی سندی طرق مشیخه پرداخته‌اند (برای نمونه رجوع کنید به ابن داوود حلی، ص ۵۵۷-۵۵۸؛ علامه حلی، ۱۴۰۲، ص ۲۷۵-۲۷۶؛ تفرشی،

ج ۵، ص ۳۲۹-۳۴۷؛ قهپائی، ج ۷، ص ۲۰۵-۲۱۹؛ اردبیلی، ج ۲، ص-۴۷۳؛ مازندرانی حائری، ج ۷، ص ۴۸۹-۵۰۱؛ عبدالنبی جزایری، ج ۴، ص ۴۷۳-۴۸۳).

مهمترین مصدر (مأخذ) موجود تهذیب، کتاب کافی کلینی است. علاوه بر مواردی که نام کلینی (محمد بن یعقوب) در آغاز سند ذکر شده، بسیاری از احادیثی که سند آنها با نام مشایخ بی واسطه یا با واسطه کلینی یا افراد موجود در اسناد کافی آغاز می‌شود، از کافی گرفته شده است. با تأمل در شیوه اسناد و مشابهت آنها با اسناد کافی و نیز مقایسه ترتیب احادیث تهذیب با احادیث کافی، می‌توان شیوه انتخاب و اقتباس طوسی از کافی را بازشناسی کرد (برای نمونه رجوع کنید به ج، ص-۳؛ قس کلینی، ج ۷، ص ۱۷۶-۱۷۷، ۱۸۳-۱۸۴؛ نیز رجوع کنید به محمدتقی مجلسی، ج ۴، ص، ج ۵، ص-۲۳؛ شبیری، ۱۴۲۰، ص-۲۱۹). این مقایسه نشان می‌دهد که تفاوت تعبیر شیخ طوسی در مورد راویان، از تفاوت تعبیر کافی یا مأخذ دیگر درباره آنان نشأت گرفته است؛ مثلاً گاه از برقی به «احمد بن ابی عبدالله» و گاه به «احمد بن محمد بن خالد» تعبیر شده است (رجوع کنید به شبیری، ۱۴۲۰، ص-۲۲۳؛ قس سیستانی، ص ۱۴، پانویس؛ درباره عدم نقل بی واسطه شیخ طوسی از محاسن برقی رجوع کنید

به شبیری، ۱۴۲۰، همان جا).

مصدر دیگر موجود تهذیب، کتاب من لایحضره الفقیه شیخ صدوق است (رجوع کنید به ج ۱، ص ۴۵۹-۴۶۰، ج ۲، ص ۱۱۳-۱۱۴، ۱۹۵، ۳۶۴، ج ۴، ص ۱۷۱، ج ۵، ص ۴۴۰-۴۴۱، ج ۷، ص ۱۵۵). وی گاه تفسیر صدوق درباره روایتی را نقد کرده و گاه آن را محتمل دانسته است (رجوع کنید به ج، ص-۱۸۶، ج ۱۰، ص-۲۲). با مقایسه احادیث تهذیب با احادیث کتاب من لایحضره الفقیه و ترتیب ابواب این دو کتاب، بیش از ۱۵۰ حدیث یافته شد که بدون اینکه نامی از صدوق برده شود، از کتاب او نقل شده است. نشانه مهم این امر، تفاوت آشکار اسناد این گونه احادیث با اسناد دیگر تهذیب و آغاز شدن سند با روایانی است که یا اصلاً مؤلف کتاب نیستند یا کتاب آنها از مآخذ تهذیب نیست (رجوع کنید به ابن شهید ثانی، ج ۲، ص؛ محمد تقی مجلسی، ج ۵، ص ۳۷؛ شبیری، ۱۴۲۰، ص ۲۱۹-۲۲۲).

هرچند در تهذیب تنها یک بار به نام کتاب مزار (مناسک الزیارات) شیخ مفید تصریح شده (رجوع کنید به ج ۶، ص ۵۶)، مقایسه ترتیب احادیث این دو اثر نشان می‌دهد که

همه روایاتی که نام ابن قولویه در آغاز سند آنها آمده، از کتاب مزار گرفته شده است، نه از کامل‌الزیارات. از جمله قرائن این نکته، آن است که ترتیب مباحث تهذیب با کامل‌الزیارات هماهنگی ندارد (برای نمونه رجوع کنید به تهذیب، ج ۶، ص ۳۱-۳۳؛ قس ابن قولویه، ص ۲۷-۳۰؛ مفید، ۱۴۱۳ ب، ص ۷-۹)؛ همچنین تنها احادیثی از کامل‌الزیارات در تهذیب آمده که در مزار دیده می‌شود و برخی از احادیثِ مُسند کامل‌الزیارات، در تهذیب - مانند مزار - به‌گونه مُرسل آمده است. وجود یک ضمیر مبهم در تهذیب (رجوع کنید به ج ۶، ص ۳۲، حدیث ۶۱)، که مرجع آن قطعاً شیخ مفید است، شاهی دیگر است. از دیگر مصادر موجود تهذیب، کتاب حسین بن سعید اهوازی است که

بخش‌هایی از آن با نام نوادر احمد بن محمد بن عیسی چاپ شده است (رجوع کنید به شبیری، ۱۳۷۶ ش، ص ۲۵-۲۶).

مصادر واسطه در تهذیب را هم که به نام آنها تصریح نشده ولی مورد استفاده بوده است، می‌توان با روش‌هایی شناسایی کرد. از جمله این مصادر، اثر مفقود شیخ مفید با نام مصابیح النور است که چکیده‌ای از آن در رساله جوابات اهل الموصل آمده است. مقایسه این رساله با تهذیب (در باب «علامة اول شهر رمضان») بر وجود این ارتباط دلالت می‌کند. از شواهد این امر، کثرت غیر متعارف ذکر مشایخ شیخ مفید (ابو غالب زُراری، ابن قولویه و ابن داود قمی) در این باب از تهذیب است. از نشانه‌های اخذ با واسطه در تهذیب، آغاز شدن سند با نام راویان مشترک، مانند علی (رجوع کنید به ج ۵، ص ۴۸۷) یا احمد (رجوع کنید به ج ۵، ص ۴۵۹، ۴۶۳)، و راویانی است که بندرت در آغاز سند واقع می‌شوند. با این روش و روش‌های دیگر می‌توان دریافت که کتاب محمد بن علی بن محبوب از مصادری است که بی‌آنکه نام مؤلف آن در تهذیب بیاید، از آن بسیار نقل شده است (برای نمونه رجوع کنید به ج ۵، ص ۴۵۳-۴۹۳).

در ابوابی که ارتباط تهذیب با مقنعه بیشتر است، مانند مجلدات نخست آن، اقتباس غیر مستقیم از مآخذ اصیل کمتر است و برعکس، در ابواب زیادات و نیز مجلدات آخر تهذیب (جز مبحث نکاح و طلاق) این روش بسیار دیده می‌شود. شاید کثرت اشتغالات شیخ طوسی و به تبع آن، افزودن بر سرعت تألیف کتاب، موجب این امر شده بوده است. گفتنی است که موارد اقتباس غیر مستقیم از منابع اولیه تنها به واسطه کتب مشهور و در

اسناد مشهور آنها صورت گرفته؛ از این‌رو، مثلاً در مورد اقتباس از کافی چنانچه اول سند از مشایخ

گمنام کلینی باشد، شیخ طوسی حتماً نام کلینی را در سند تهذیب ذکر کرده است (برای نمونه رجوع کنید به ج، ص ۱۱۵، حدیث ۴۵۸، ص ۱۴۶، حدیث ۵۱۸). بنابراین، چنین اقتباسی در عصر مؤلف کاملاً متداول و خالی از ابهام بوده، هر چند با گذشت زمان، به علت فقدان منابع اصلی و انس نداشتن با اسناد کتب حدیثی، با دشواری و ابهام همراه شده است. اشتها منابع مذکور و حسن ترتیب و باب‌بندی مطلوب آنها، از مهمترین انگیزه‌های اقتباس از آنها بوده است (رجوع کنید به بحرالعلوم، ج ۴، ص ۷۹).

از دشواری‌های موجود در شناخت مصادر تهذیب، اکتفا کردن به نام مؤلف و تصریح نکردن به نام کتاب در بیشتر موارد در تهذیب است، ولی با تأمل در باب مورد نظر در تهذیب و فراوانی آغاز سند با نام یک مؤلف و مقایسه عنوان باب با نامهای کتب آن مؤلف (با بهره‌گیری از فهرس و کتب رجال، بویژه فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی)، این مصادر قابل شناسایی است. نکته مهمی که در کشف منابع تهذیب به ما کمک می‌کند این واقعیت است که شیخ طوسی در تهذیب تعبیرات خاص منابع نخستین را به همان صورت اصلی حفظ کرده و کمتر در آن تغییر داده است. از جمله، این تعبیر ابهام‌آمیز و در عین حال راه‌گشا، تعبیر «عنهما» است که در میانه سند در روایات موسی بن قاسم از علی بن حسن طاطری آمده (رجوع کنید به ج، ص ۱۱۸، ۱۶۱، ۳۴۷، ۳۷۹؛ نیز رجوع کنید به ابن شهید ثانی، ج ۱، ص ۳۴، پانویس ۲) و تعبیر «قال حَدَّثَهُمْ» در روایات حسن بن محمد بن سماعه (رجوع کنید به ج ۹، ص ۳۲۷-۳۳۶، ۳۴۱، ۳۴۴، ۳۶۷، ۳۹۴؛ نیز رجوع کنید به بروجردی، ص ۱۳۳) که نشان‌دهنده نوع خاص تحمل حدیثی است.

در آغاز مشیخه تهذیب نام برخی از مؤلفان جوامع حدیثی، که از منابع اصلی تهذیب بوده‌اند، آمده

است که عبارت‌اند از: کلینی، علی بن حسن بن فضال، حسن بن محبوب، حسین بن سعید، محمد بن احمد بن یحیی، محمد بن علی بن محبوب، محمد بن حسن صفار، سعد بن عبدالله و احمد بن محمد بن عیسی. پاره‌ای از مؤلفان که نامشان در مشیخه آمده، کتابشان فقط در یک یا چند باب، مأخذ تهذیب بوده که از این راه نام مأخذ تهذیب بدست می‌آید، مانند علی بن حسین بن بابویه (کتاب جنائز)، حسن بن محمد بن

سماعه (کتاب‌های وقت، شراء و بیع و...)، علی بن حسن طاطری (کتاب‌های قبله، اوقات و...)، ابن قولویه (کتاب‌های فطره، شهادت و قضاء، ادب الحکام)، ابراهیم بن اسحاق احمری (کتاب صیام)، علی بن حاتم قزوینی (کتاب عمل شهر رمضان)، موسی بن قاسم (کتاب حج)، علی بن جعفر (کتاب مسائل)، حسین بن سفیان بزوفری (کتاب احکام العبید؛ نیز برای راه دیگر دستیابی به مصادر احادیث رجوع کنید به ابن شهید ثانی، ج ۱، ص ۴۲).

در مواردی اندک در تهذیب نام مأخذ ذکر شده، ولی غالباً حدیث مذکور سنددار نیست. نام برخی مأخذ معروف، مانند مشیخه حسن بن محبوب و کتب احمد بن محمد بن عیسی و حسین بن سعید، معمولاً در مواردی ذکر شده که حدیث، مرسل است (رجوع کنید به ج ۱، ص ۱۲۱، ج ۵، ص ۲۱۷، ج ۶، ص ۷، ج ۳۸۲-۳۸۳، ج ۸، ص ۲۵۱). شماری دیگر از مأخذ نام برده شده در تهذیب عبارت‌اند از: الحجه فی القراءه از ابوعلی فارسی (ج ۱، ص ۶۸)، الجمهره از ابن درید (ج ۱، ص ۱۸۶)، رساله علی بن حسین بن بابویه (ج ۲، ص ۹۴، ج ۵، ص ۳۵۰)، رجال ابن عقده (ج ۳، ص ۱۹۵)، تفسیر علی بن ابراهیم (ج ۴، ص ۴۹؛ قس قمی، ج ۱، ص ۲۹۹)، مناسک الزیارات (المزار) شیخ مفید (ج ۶، ص ۵۶) و جامع ابن ولید قمی (ج ۶، ص ۸۶، ۹۴).

تهذیب و استبصار. شیخ طوسی پس از تألیف تهذیب، کتاب استبصار را در خصوص احادیث بظاهر متعارض نگاشته، که ابواب (کتاب) اصلی آن تفاوت چندانی با تهذیب ندارد. تمام احادیث استبصار به گونه‌ای در تهذیب آمده است، ولی اسناد دو کتاب تفاوت‌هایی دارند، از جمله در جلد نخست استبصار بیش از دویست روایت دیده می‌شود که در تهذیب اسناد آنها کامل است، ولی در استبصار آغاز سند نیامده است. برعکس، در هشتاد مورد فقط سند استبصار کامل است (برای نمونه رجوع کنید به استبصار، ج ۱، ص، حدیث، ص، حدیث ۲؛ تهذیب، ج ۱، ص ۲۲۱، حدیث ۱۵، ص ۲۲۲، حدیث ۱۶). این تفاوت ناشی از آن است که شیخ طوسی احادیث معارض را (برخلاف احادیث ادله و شواهد) هیچ‌گاه با سند کامل نیاورده و چون موضوع کتاب استبصار احادیث متعارض بوده است، طبعاً این‌گونه اسناد در استبصار بیشتر دیده می‌شود. همچنین شیخ طوسی گاه طریق خود را به یک مؤلف در تهذیب، در کتاب استبصار غالباً برای کوتاه کردن سند (علو اسناد)،

به طریق دیگری تبدیل کرده است (برای نمونه رجوع کنید به استبصار، ج ۱، ص ۳۹، حدیث ۱۰۶؛ تهذیب، ج ۱، ص، حدیث ۶۸۸؛ نیز رجوع کنید به ابن شهید ثانی، ج ۱، ص ۴۱-۴۲).

در جلد نخست تهذیب غالباً روایات از طریق شیخ مفید نقل شده، ولی در استبصار، طرق مشایخ متعدد مؤلف ذکر گردیده و به‌ویژه اگر طریق غیر شیخ مفید، به سببی، مانند کمی واسطه یا تعدد راویان، بر طریق شیخ مفید ترجیح داشته باشد، آن طریق انتخاب شده است (برای نمونه رجوع کنید به استبصار، ج ۱، ص، حدیث ۲۲۳-۲۲۴؛ قس تهذیب، ج ۱، ص ۹۷، حدیث ۲۵۱-۲۵۲).

بیشتر مأخذ احادیث استبصار همان مأخذ تهذیب است و تنها در موارد اندکی مأخذ حدیث در استبصار تغییر یافته است (برای نمونه رجوع کنید به استبصار، ج ۱، ص ۲۵، حدیث ۶۲؛ قس تهذیب،

ج ۹، ص ۸۶-۸۷، حدیث ۱۰۰؛ استبصار، ج ۳، ص ۱۳، حدیث ۳۵؛ قس تهذیب، ج ۶، ص ۲۸۳، حدیث ۱۸۶). نکته مهم در این باره وجود مواردی از ابهام در اشاره یا ارجاع ضمیر، اختلال در اسناد و خلط متون احادیث در استبصار است که تنها توجیه مقبول آن، این است که مؤلف هنگام نگارش استبصار به تهذیب مراجعه می‌کرده که گاه موجب اشتباه در اقتباس حدیث شده است. ظاهراً در موارد بسیاری در استبصار به نقل تهذیب بسنده شده و مراجعه مستقلی به منابع اصلی صورت نگرفته است (برای نمونه رجوع کنید به استبصار، ج ۱، ص ۱۰۳، حدیث ۳۳۶-۳۳۷؛ قس تهذیب، ج ۱، ص ۱۱۱، حدیث ۲۹۱-۲۹۲؛ استبصار، ج ۱، ص ۱۱۷-۱۱۸، حدیث ۳۹۵-۳۹۶؛ قس تهذیب، ج ۱، ص ۱۳۱، حدیث ۳۵۷-۳۶۱؛ استبصار، ج ۳، ص ۱۳۳؛ قس تهذیب، ج ۷، ص ۲۲۱).

تفاسیر و توضیحات مؤلف در استبصار درباره احادیث و شیوه رفع تعارض میان آنها، بیشتر از تهذیب گرفته شده، هرچند در تعبیر و الفاظ دو کتاب تفاوت‌هایی وجود دارد (برای نمونه رجوع کنید به تهذیب، ج ۱، ص ۲۱۸-۲۲۰، حدیث ۶۲۷-۶۲۸؛ قس استبصار، ج ۱، ص ۱۴-۱۶، حدیث ۲۷-۲۸). توضیحات استبصار گاه گزیده‌تر و کامل‌تر است (برای نمونه رجوع کنید به ج ۱، ص ۸۱، حدیث ۲۵۳؛ ص ۸۲، حدیث ۲۵۷؛ قس تهذیب، ج ۱، ص ۸-۹، حدیث ۱۳، ص ۱۱، حدیث ۱۹) و گاه ابهام توضیح تهذیب، در استبصار برطرف

شده است (رجوع کنید به ج ۱، ص ۱۱-۱۲، حدیث ۱۷؛ قس تهذیب، ج ۱، ص ۴۳، حدیث ۱۱۹). در استبصار گاه احتمالات جدیدی در توجیه احادیث مطرح شده (رجوع کنید به ج ۱، ص ۸۴-۸۵، حدیث ۲۶۷-۲۶۸؛ قس تهذیب، ج ۱، ص، حدیث ۱۰۳۲) و در برخی موارد تغییرات محتوایی، که به اختلاف فتوا انجامیده، دیده می‌شود (رجوع کنید به ج ۱، ص ۱۶۱-۱۶۲، حدیث؛ قس تهذیب، ج ۱، ص

۱۹۶-۱۹۷، حدیث ۵۶۸). بنابراین، با وجود مشترکات این دو اثر، بی‌تردید آنها را باید دو اثر مستقل

به‌شمار آورد (قس سبحانی، ص ۲۸، پانویس، به نقل از شیخ الشریعه اصفهانی).

شروح و حواشی تهذیب. آقا بزرگ طهرانی شانزده شرح و بیست حاشیه بر تهذیب معرفی کرده (

رجوع کنید به ج ۱، ص ۳۰۷، ج ۴، ص ۵۰۵-۵۰۷، ج ۶، ص ۵۱-۵۳، ۲۵۷، ج ۱۳، ص ۱۵۶-۱۵۹، ج ۱۶،

ص ۱۸) و نام چهار کتاب را به عنوان حاشیه بر کتاب‌های چهارگانه آورده است (رجوع کنید به ج ۷،

ص ۱۰۳). در منابع، از حواشی دیگری هم بر این کتاب نام برده شده است، مانند حواشی شیخ احمد

احسائی (علی بحرانی، ص ۴۱۲)، حواشی میرداماد بر کتب اربعه (محمد باقر مجلسی، ۱۳۸۰، ج ۱۱، ص

۴) و جامع الحواشی (رجوع کنید به آقا بزرگ طهرانی، ج ۵، ص ۵۱). شروحن هم بر مشیخه تهذیب

(به تنهایی یا همراه با مشیخه کتاب من لایحضره الفقیه) نگاشته شده، مانند حدیقه الانظار اثر محمد

علی بن قاسم آل کشکول (برای این شرح و شروح دیگر رجوع کنید به همان، ج ۶، ص ۱۴، ص،

ج ۲۱، ص؛ حسینی اشکوری، ۱۴۱۰، ص ۱۵۷). رساله فی الجمع بین احادیث باب الزیادات من التهذیب

از شیخ احمد احسائی نیز نوعی شرح تهذیب است (رجوع کنید به آقا بزرگ طهرانی، ج ۱۱، ص ۱۶۴).

از این شروح و حواشی، فقط ملاذ الاخیار اثر علامه مجلسی در شانزده جلد چاپ شده که شرحی کامل

بر تهذیب است (رجوع کنید به آقا بزرگ طهرانی، ج ۲۲، ص ۱۹۱؛ محمد باقر مجلسی، ۱۴۰۶-۱۴۰۷، ج

۱، مقدمه رجائی، ص ۴۱-۴۳). در این شرح مطالب بسیاری از دیگر شروح تهذیب بویژه شرح محمد

تقی مجلسی و مولی' عبدالله تستری، نقل شده است (محمد باقر مجلسی، ۱۴۰۶-۱۴۰۷، ج ۱، همان

مقدمه، ص ۴۳). مقدمه شرح ملاطاهر قمی بر تهذیب به‌صورت عکسی در ضمیمه کتاب ترتیب

التهذیب سیدهاشم بحرانی به چاپ رسیده است. کتاب ترتیب التهذیب و

شرح آن (رجوع کنید به آقا بزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۶۴، ج ۱۳، ص ۱۴۴) بر پایه این باور تدوین شده که تهذیب، ترتیب و تنظیم شایسته‌ای ندارد (خوانساری، ج ۶، ص، ۲۴۲، ۲۴۵)، ولی برخی این کتاب را «تخریب التهذیب» نامیده‌اند (رجوع کنید به خوانساری، ج ۶، ص).

از دیگر کارهای انجام شده درباره تهذیب، این موارد شایان ذکرند: ترجمه تهذیب الاحکام از محمد تقی گیلانی (حیدر علی مجلسی، ص ۲۶۷)، ترجمه تهذیب الاحکام اثر محمد یوسف گورکانی (آقا بزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۹۲)، مختصر مزار کتاب التهذیب از محمد جواجانی (همان، ج ۲۰، ص ۲۰۸)، گزیده تهذیب از محمد باقر بهبودی (تهران ۱۳۷۰ ش)، تنبیه الاریب و تذکره اللیب فی ایضاح رجال التهذیب اثر سید هاشم بحرانی و گزیده آن انتخاب الجید من تنبیهات السید از حسن دمستانی (همان، ج ۲، ص ۳۵۸، ج ۴، ص؛ مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۴۶)، رساله فی اسانید التهذیب از فخرالدین طریحی (آقابزرگ طهرانی، ج ۱۱، ص ۶۴) و تصحیح الاسانید اثر میرزا محمد اردبیلی (مؤلف جامع الرواه). اردبیلی در این اثر با تعویض اسناد، طرق دیگری برای احادیث تهذیب به‌دست داده که به گفته او بسیاری از اسناد تهذیب را تصحیح می‌کند (آقا بزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۱۹۳؛ برای نقد این روش رجوع کنید به بحرالعلوم، ج ۴، ص ۷۶-۷۷؛ اردبیلی، ج ۱، مقدمه بروجردی، ص د - ز). این اثر با اضافاتی در خاتمه مستدرک الوسائل (نوری، ج ۶، ص ۱۵-۳۹۹) و تلخیص آن در جامع الرواه (اردبیلی، ج ۲، ص ۴۷۳-۵۲۹) آورده شده است.

از دیگر آثار مهم در این باره، ترتیب اسانید کتاب التهذیب اثر آیت‌الله حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی به خط حسن نوری همدانی است (مشهد ۱۴۱۴) که تحریر نخست آن با نام تنقیح اسانید التهذیب (قم ۱۴۱۱) چاپ شده و نیز رجال اسانید یا طبقات رجال کتاب التهذیب، اثر همو (مشهد ۱۴۱۳؛

قس آقا بزرگ طهرانی، ج ۱۵، ص ۱۴۹). در جامع الرواه محمد اردبیلی، و سپس به گونه‌ای کامل‌تر و دقیق‌تر در معجم رجال الحديث آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی، فهرست راویان تهذیب (همراه با دیگر کتاب‌های چهارگانه) با تعیین مشایخ و شاگردان ذکر شده است. بررسی تک‌تک راویان تهذیب (در ضمن کتب اربعه) در لوح فشرده «درایه النور» (مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، قم، زیر نظر سید

محمدجواد شبیری) و نیز توضیح و تبیین اسناد مبهم کتاب‌های چهارگانه، از جمله تهذیب، در کتاب توضیح الاسانید تألیف سید محمدجواد شبیری (چاپ نشده) به‌طور گسترده آمده است.

نسخه‌های تهذیب. نسخه اصلی کتاب به خط مؤلف در اختیار نوادگان وی، آل طاووس، قرار داشته است (رجوع کنید به ابن طاووس، علی، الاقبال بالاعمال الحسنه، ص؛ ابن طاووس، عبدالکریم، فرحه الغری، ص، ۸۶). شهید اول (متوفی) از این نسخه نقل کرده (۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۰۷) و شهید ثانی دو جلد تهذیب به خط مؤلف را در اختیار داشته است (رجوع کنید به ۱۴۱۳-۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۷۷؛ همو، ۱۳۷۸ ش، ص). نسخه‌ای از کتاب به خط مؤلف، که پسر او آن را بر پدر قرائت کرده، نزد علی بن محمد بیاضی (متوفی ۸۷۷) بوده است (محمد باقر مجلسی، ۱۳۸۰، ج ۱۰۷، ص ۲۲۳). حسن بن زین‌الدین، در منتقى الجُمان بیشترین نقل (هفتاد مورد و همگی در کتاب الصلاه) را از نسخه اصل تهذیب ارائه کرده و گاه به‌دقت، خصوصیات خط مؤلف را بیان نموده است (برای نمونه رجوع کنید به ابن شهید ثانی، ج ۲، ص ۵، ۱۹). وی به اشتباهاتی که در این نسخه بوده و برخی از آنها بعداً اصلاح شده، اشاره کرده است، از جمله به تصحیف واو به «عن» (رجوع کنید به ج ۱، ص ۲۶، ج ۲، ص ۵، ۲۹۶). به نظر او (ج ۱، ص ۳۹۲، ۳۹۸، ۵۰۵) برخی از اصلاحات نسخه به خط مؤلف نیست و اشکالات

نسخه اصل نشان می‌دهد که نباید تمام اشتباهات کتاب را کار ناسخان دانست. آخرین گزارش از این نسخه آن است که در دست نوه حسن بن زین‌الدین، علی بن محمد عاملی بوده است (خوانساری، ج ۶، ص ۲۴۳).

نسخه‌ای از تهذیب شامل جزء اول آن در کتابخانه علامه سید محمد حسین طباطبائی (متوفی ۱۳۵۹ ش) نگهداری می‌شده که به نوشته یکی از مالکان نسخه، که معاصر شیخ بهایی بوده، شیخ بهایی آن را به خط مؤلف می‌دانسته است (رجوع کنید به طوسی، الجمل و العقود، ملحقات واعظ زاده خراسانی، ص ۳۹۳) ولی با عنایت به نبودن نشانه‌های نسخ اصلی و وجود علائم مقابله و بلاغ، که نشانه اصلی نبودن نسخه است، و شواهد دیگر (رجوع کنید به همان، ص ۳۹۶)، این نسخه نمی‌تواند به خط مؤلف باشد، هرچند قطعاً نسخه‌ای قدیمی است. نسخه دست‌نویس حسین بن عبدالصمد حارثی، پدر

شیخ بهایی، شامل بخش‌هایی از تهذیب که بیشتر آن با نسخه اصلی مقابله شده، موجود است (رجوع کنید به آقا بزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۵۰۴؛ حسینی اشکوری، ۱۳۵۴-۱۳۷۶ ش، ج ۱، ص؛ شهرستانی، ص).

نسخه‌های فراوانی از تهذیب در کتابخانه‌های اسلامی نگهداری می‌شود (رجوع کنید به شهرستانی، ص ۱۰۴-۱۱۳؛ رسولی محلاتی، ص ۲۴۶-۲۴۷؛ حجتی، ص ۶۲۸-۶۴۹؛ فکرت، ص ۱۵۳؛ حسینی اشکوری، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۵۷-۱۶۳) که بسیاری از آنها معتبر است (رجوع کنید به محمد تقی مجلسی، ج ۴، ص ۵۵۷؛ مدیر شانه‌چی، ۱۳۴۸ ش، ص ۳۴۲-۳۴۴). قدیمترین نسخه تاریخ‌دار آن (تاریخ کتابت: ۵۷۵) - که جلد چهارم و بخشی از جلد پنجم کتاب را در بردارد - در کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی در قم

نگاهداری می‌شود (نیز رجوع کنید به مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۴۵).

تهذیب نخستین بار در دو جلد رحلی به تصحیح احمد شیرازی و باقر قوچانی در ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ چاپ سنگی شد. چاپ‌های دیگر تهذیب به قطع وزیری و در ده جلد است؛ یکی به تصحیح سید حسن موسوی خراسان (نجف ۱۳۷۸-۱۳۸۲ که بارها چاپ افست شده است)، و دیگری به تصحیح محمد جعفر شمس‌الدین (بیروت ۱۴۱۲) و تصحیح علی اکبر غفاری (تهران ۱۳۷۶ ش).

منابع: حسن بن ابی طالب آبی، کشف الرموز فی شرح المختصر النافع، چاپ علی پناه اشتهاودی و حسین یزدی، قم ۱۴۰۸-۱۴۱۰؛ آقا بزرگ طهرانی؛ ابن ادريس حلی، کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم ۱۴۱۰-۱۴۱۱؛ ابن بابویه، کتاب من لایحضره الفقیه، چاپ علی اکبر غفاری، تهران ۱۳۹۲؛ ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، چاپ محمد عبدالرحمان مرعشلی، بیروت ۱۴۱۵-۱۴۱۶ / ۱۹۹۵-۱۹۹۶؛ ابن داوود حلی، کتاب الرجال، چاپ جلال‌الدین محدث ارموی، تهران ۱۳۴۲ ش؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، نجف ۱۳۸۰/۱۹۶۱؛ همو، مناقب آل ابی طالب، چاپ هاشم رسولی محلاتی، قم [بی‌تا]؛ ابن شهید ثانی، منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۲-۱۳۶۵ ش؛ ابن طاووس (عبدالکریم بن احمد)، فرحه الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام فی النجف، قم: منشورات الرضی، [بی‌تا]؛ ابن طاووس (علی بن موسی)،

الاقبال بالاعمال الحسنه، چاپ فضل‌الله نوری، چاپ سنگی تهران ۱۳۱۲، چاپ افست ۱۳۶۷ ش؛ همو، فتح الابواب بین ذوی الالباب و بین رب الارباب فی الاستخارات، چاپ حامد خفاف، قم ۱۴۰۹؛ ابن قولویه، کامل الزیارات، چاپ عبدالحسین امینی، نجف ۱۳۵۶؛ محمد بن علی اردبیلی، جامع الرواه و ازاحه الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ محمد مهدی بن مرتضی بحر العلوم، رجال

السید بحرالعلوم: المعروف بالفوائد الرجاليه، چاپ محمد صادق بحرالعلوم و حسین بحرالعلوم، تهران ۱۳۶۳ ش؛ علی بن حسن بحرانی، انوار البدرین فی تراجم علماء القطیف و الاحساء و البحرین، چاپ محمد علی محمد رضا طبسی، نجف ۱۳۷۷، چاپ افست قم ۱۴۰۷؛ یوسف بن احمد بحرانی، لؤلؤه البحرین، چاپ محمد صادق بحرالعلوم، قم [بیتا] ؛ حسین بروجردی، تنقیح اسانید التهذیب، چاپ مهدی صادقی، قم ۱۴۱۱؛ محمد تقی تستری، الاخبار الدخیله، چاپ علی اکبر غفاری، تهران ۱۳۹۰؛ همو، قاموس الرجال، قم ۱۴۱۰-۱۴۲۴؛ همو، مستدرک الاخبار الدخیله، چاپ علی اکبر غفاری، تهران ۱۳۹۶؛ مصطفی بن حسین تفرشی، نقد الرجال، قم ۱۴۱۸؛ عبدالله بن نورالدین جزایری، الاجازه الکبیره، چاپ محمد سمای حائری، قم ۱۴۰۹؛ عبدالنبی جزایری، حاوی الاقوال فی معرفه الرجال، قم ۱۴۱۸؛ محمد باقر حجتی، «بررسی آثار شیخ طوسی و گزارش نسخه‌های خطی آنها با ترتیب تاریخ تحریر»، در یادنامه شیخ طوسی، ج ۳، به کوشش محمد واعظزاده خراسانی، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۴ ش؛ حر عاملی؛ احمد حسینی اشکوری، اجازات الحدیث التي كتبها شيخ المحدثين و محیی معالم الدین المولی محمد باقر المجلسی الاصبهانی: ۱۰۳۷-۱۱۱۰ هـ، قم ۱۴۱۰؛ همو، التراث العربی فی خزانه مخطوطات مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی النجفی، قم ۱۴۱۴؛ همو، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله العالی، قم ۱۳۵۴-۱۳۷۶ ش؛ خوانساری؛ خوئی؛ هاشم رسولی محلاتی، «تحقیق و بررسی مؤلفات چاپی و غیر چاپی شیخ طوسی و شروح و تعلیقات و تلخیص و ترتیب و ترجمه آنها»، در یادنامه شیخ طوسی، ج ۱، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش؛ جعفر سبحانی، کلیات فی علم الرجال، قم ۱۴۲۱؛ علی سیستانی، قاعده لاضرر و لاضرار، بیروت ۱۹۹۴/۱۴۱۴؛ محمد جواد شبیری، چهار مقاله، در مقالات فارسی، ش ۵۵، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ

مفید، ۱۳۷۲ ش؛ همو،

«مصادر الشيخ الطوسی فی کتابه تهذیب الاحکام»، علوم الحدیث، سال ۳، ش ۶ (رجب - ذیحجه ۱۴۲۰)؛ همو، «نوادر احمد بن محمد بن عیسی یا کتاب حسین بن سعید»، آینه پژوهش، سال ۸، ش ۴ (مهر - آبان ۱۳۷۶)؛ صالح شهرستانی، «نسخه‌های خطی مؤلفات شیخ طوسی در کتابخانه ملی ملک»، در یادنامه شیخ طوسی، ج ۱، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش؛ محمد بن مکی شهید اول، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، قم ۱۴۱۲-۱۴۱۴؛ همو، ذکرى الشیعه فی احکام الشریعه، قم ۱۴۱۹؛ زین‌الدین بن علی شهید ثانی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم ۱۴۱۳-۱۴۱۹؛ همو، المقاصد العلیه فی شرح الرساله الالفیه، چاپ محمد حسون، قم ۱۳۷۸ ش؛ حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، چاپ علاء آل جعفر، قم ۱۴۱۶؛ محمد بن حسن طوسی، الاستبصار، چاپ حسن موسوی خراسان، تهران ۱۳۹۰؛ همو، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت [بیتا]؛ همو، تهذیب الاحکام، چاپ حسن موسوی خراسان، نجف ۱۳۷۸-۱۳۸۲؛ همو، الجمل و العقود فی العبادات، چاپ محمد واعظزاده خراسانی، مشهد ۱۳۴۷ ش؛ همو، العده فی اصول الفقه، چاپ محمدرضا انصاری قمی، قم ۱۳۷۶ ش؛ همو، فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، چاپ عبدالعزیز طباطبائی، قم ۱۴۲۰؛ همو، کتاب الخلاف، قم ۱۴۰۷-۱۴۱۷؛ همو، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، چاپ محمد تقی کشفی، تهران ۱۳۸۷، ج ۷، چاپ محمد باقر بهبودی، تهران [بیتا]؛ همو، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت ۱۳۹۰/۱۹۷۰؛ احمد عابدی، «شیوه شیخ طوسی در تهذیب الاحکام»، آینه پژوهش، سال ۹، ش ۱ (فروردین - اردیبهشت ۱۳۷۷)؛ حسن بن یوسف علامه حلّی، تذکره الفقهاء، قم ۱۴۱۴؛ همو، رجال علامه الحلّی، چاپ محمد صادق بحر العلوم،

نجف ۱۳۸۱/ ۱۹۶۱، چاپ افست قم ۱۴۰۲؛ همو، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم ۱۴۱۷-۱۴۱۹؛ همو، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۱، مشهد ۱۴۱۲؛ علی بن حسین علم الهدی، الذریعه الی اصول الشریعه، چاپ ابوالقاسم گرجی، تهران ۱۳۴۶-۱۳۴۸ ش؛ ثامر هاشم حبیب عمیدی، «دور الشیخ الطوسی فی علوم الشریعه الاسلامیه»، تراثنا، سال ۱۴، ش ۳ و ۴ (رجب - ذیحجه ۱۴۱۹)، سال ۱۵، ش ۱ (محرم - ربیع الاول ۱۴۲۰)، ش ۲ (ربیع الاخر - جمادی الاخره ۱۴۲۰)؛ محمد بن حسن فخر المحققین، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات

القواعد، چاپ حسین موسوی کرمانی، علی پناه اشتهااردی، و عبدالرحیم بروجردی، قم ۱۳۸۷-۱۳۸۹، چاپ افست ۱۳۶۳ ش؛ محمد آصف فکرت، فهرست الفبائی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، مشهد ۱ ش؛ محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، کتاب الوافی، چاپ ضیاءالدین علامه اصفهانی،

اصفهان ۱۳۶۵-۱۳۷۴ ش؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیرالقمی، چاپ طیب موسوی جزائری، نجف ۱۳۸۷، چاپ افست قم [بیتا] ؛ عنایه الله قهیائی، مجمع الرجال، چاپ ضیاءالدین علامه اصفهانی، اصفهان ۱۳۸۴-۱۳۸۷، چاپ افست قم [بیتا]؛ ابوالهدی کلباسی، سماء المقال فی علم الرجال، چاپ محمد حسینی قزوینی، قم ۱۴۱۹؛ محمد بن محمد ابراهیم کلباسی، الرسائل الرجالیه، چاپ محمد حسین درایتی، قم ۱۳۸۰-۱۳۸۱ ش؛ کلینی؛ اتان کولبرگ، کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، ترجمه علی قرائی و رسول جعفریان، قم ۱۳۷۱ ش؛ محمد بن اسماعیل مازندرانی حائری، منتهی المقال فی احوال الرجال، قم ۱۴۱۶؛ حیدر علی بن عزیزالله مجلسی، رساله انساب خاندان مجلسی، در آقا احمد کرمانشاهی، مرآت الاحوال جهان نما، بخش ۱، چاپ علی دوانی، تهران ۱۳۷۰ ش؛ محمد باقر بن محمد

تقی مجلسی، بحار الانوار، تهران ۱۳۸۰؛ همو، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، چاپ مهدی رجائی، قم ۱۴۰۶-۱۴۰۷؛ محمد تقی بن مقصود علی مجلسی، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، چاپ حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، قم ۱۴۰۶-۱۴۱۳؛ جعفر بن حسن محقق حلّی، المعتمد فی شرح المختصر، ج ۱، ۲، قم ۱۳۶۴ ش؛ کاظم مدیر شانه‌چی، تاریخ حدیث، تهران ۱۳۷۷ ش؛ همو، «نفایس مخطوطات شیخ طوسی»، در یادنامه شیخ طوسی، ج ۱، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش؛ **محم بن محمد مفید**، جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیه، چاپ مهدی نجف، قم ۱۴۱۳ الف؛ همو، کتاب المزار، چاپ محمد باقر موحدی ابطحی، قم ۱۴۱۳ ب؛ همو، المقنعه، قم ۱۴۱۰؛ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنّفی الشیعه المشتهر ب رجال النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷؛ حسین بن محمد تقی نوری، خاتمه مستدرک الوسائل، قم ۱۴۱۵-۱۴۲۰؛ همو، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم ۱۴۰۷-۱۴۰۸؛ مهذب‌الدین نیلی، نزّه الناظر

فی الجمع بین الاشباه و النظائر، چاپ احمد حسینی و نورالدین واعظی، نجف ۱۳۸۶، چاپ افست قم]